

فقه حکومتی در اندیشه‌ی امام خمینی (ره)

هادی شاکری*

الله بز میان**

مسعود مطلبی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۱۰

چکیده

فقه شیعه پیوسته در حال تحول می‌باشد با پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت فقیهان جامعه بسیاری از پرسش‌های مربوط به حوزه‌ی فقه در جامعه اسلامی به دستگاه فقه عرضه شد که رویکردهای فقهی باتوجه به مبانی فکری و اجتهادی خود درصدد پاسخ به آن برآمدند. فقه حکومتی، احکامی است که حاکم جامعه بر مبنای ضوابط پیش‌بینی شده شرعی و بر طبق مصالح عمومی مسلمین برای حفظ سلامت جامعه و تنظیم امور و برقراری روابط صحیح بین سازمانها در مسائل فرهنگی، تعلیماتی، مالیاتی و غیره... مقرر می‌دارد. در این بین امام خمینی (ره) با رویکرد فقه حکومتی خود باعث تدوین فقهی نوین با نگرشی حکومتی شده که معتقد به توانمندی فقه اسلامی در اداره‌ی جامعه است و تنها راه تحقق شریعت در حوزه‌ی فردی و اجتماعی را تاسیس حکومت اسلامی می‌داند و از نظر ایشان همه آنچه در حوزه حکومت از اختیارات و وظایف پیامبر و امامان پس از او محسوب می‌شود، برای فقیه جامع الشرایط نیز معتبر است. این مقاله درصدد است تا با بررسی تعاریف فقه، اصول و مبانی فقه حکومتی، لوازم و رویکردهای آن فقه حکومتی را در اندیشه امام خمینی (ره) بررسی و تحلیل نماید و بر این فرض استوار است که فهم اجتهادی فقیهانی چون امام خمینی (ره) از شریعت و منابع فقهی دربردارنده دستورالعملی جامع برای نظام سازی و سرپرستی از آن بر اساس دستورات فقه حکومتی می‌باشد.

کلیدواژگان: امام خمینی (ره)، اندیشه، سیاست، فقه، فقه حکومتی.

سپهر سیاست

سال سوم

شماره هشتم

تابستان ۱۳۹۵

* کارشناسی ارشد تفسیر قرآن کریم، دانشکده مطالعات تطبیقی قرآن، شیراز، ایران

** کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

*** نویسنده مسئول: استادیار، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، گلستان، ایران

رایانامه: mmtph2006@yahoo.com

مقدمه

فقه و اجتهاد شیعی از بدو تولدش با توجه به نیازهای زمان خود حرکت کرده و به گونه‌ای کاملاً پویا درصدد استنباط احکام الهی برآمده است. در زمان حکومت معصومان علیهم‌السلام با تکیه بر روایات ایشان، احکام الهی بیان می‌شد. البته در همین دوره، از سوی معصومان راه کارهای اصولی فقاقت بیان می‌گردید و استنباط آن به فقها و علما واگذار می‌شد. (عاملی، ۱۴۱۶)

دوران غیبت معصومان علیهم‌السلام شرایط ویژه‌ای برای شیعه بود که با مهیاسازی و زمینه‌پردازی حضرات معصومان علیهم‌السلام شکل گرفت. در این دوران، علما و فقهای شیعه درصدد تبیین احکام الهی برمی‌آمدند. شرایط گونه‌گون این بازه زمانی باعث ایجاد مکاتب و دوره‌های فقهی و اصولی گوناگونی می‌شد. وجه اشتراک تمامی این مکاتب و دوره‌ها در این بود که فقه شیعی در فضایی کاملاً و یا نسبتاً تقیه آمیز شکل می‌گرفت. دورانی نیز که تقیه به کمینه می‌رسید فقها تنها مأمور تمشیت احکام الهی با رویکرد فردگرایانه بودند. در واقع، فضای استنباط احکامی الهی مبتنی بر حکومت دین، هرگز مهیا نگردیده بود. از همین روی، تمامی ادوار گذشته و مکاتب پیشین، اعم از اصولی سنتی، اصولی نوین و اخباری‌گری را فقه فردی می‌دانند. پس از انقلاب اسلامی ایران و ایجاد شرایط ویژه و تاریخی حاکمیت دینی، مسائل جدید و کلانی فراروی فقها قرار گرفت. پس از این مصاف، اکثریت فقهای نواندیش و پویا در اندیشه رویکردی نوین به فقه فرو رفتند. آنان بر این باور بودند که رویکرد فردگرایانه به فقه مخصوص زمان تقیه و حاکمیت غیردینی است و به هنگامه حکومت دینی باید با رویکردی حکومتی به استنباط احکام الهی پرداخت.

فقه

واژه «فقه» در لغت به معنای فهمیدن، دانستن، ادراک و علم آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵)، اما آنچه که از تصریح لغویان و کاربردهای واژه فقه پیداست، معنای فقه، اخص از مطلق فهم و دانستن است و منظور از آن، علم و دانستن است که با تامل و دقت همراه باشد. (اصفهانی، بی‌تا) در اصطلاح نیز، فقه به معانی ذیل آمده است:



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال سوم
شماره هشتم
تابستان ۱۳۹۵

۱. اصطلاح عام: منظور، همه معارف و احکامی است که از طرف خداون نازل شده، چه در زمینه اعتقادی و اخلاقی و چه در زمینه فرو عملی. (تھاونی، ۱۴۱۸)

۲. اصطلاح خاص: منظور از آن، احکام شرعی و فرعی عملی است که عبادات، معاملات، مسائل حقوقی، کیفری، تجاری و غیره را شامل می شود و امروزه بخشی از آن در رساله های عملی به صورت فتوا دیده می شود. (حسین زاده، ۱۳۸۸)

فقه از نگاه امام خمینی

در آثار و تالیفات به جا مانده از ایشان تعریف دیگری از فقه به چشم می خورد. شاید چند ویژگی در شخصیت امام سبب شده تا از فقه تعریف دیگری داشته باشند.

نخست آن که ایشان پیش از آن که فقیه صاحب نظر بوده و در حوزه های علمیه بر کرسی تدریس فقه و اصول تکیه بزنند، حکیم و عارفی بودند که بر کرسی درس حکمت و عرفان نشسته و به تدریس و تعلیم این دو دانس اشتغال داشتند. علم و معرفت به جهان هستی و مبدا و معاد را بسیار مهم و حیاتی دانسته و بخش مهمی از حیات دانش علمی را به تحصیل در این زمینه اختصاص داده و در این علوم صاحب نظر شدند. تالیفات ایشان در معارف عقیدتی دین از نخستین آثار مکتوب ایشان است. به همین جهت نگاهشان به دین، نگاهی جامع و همه سونگر بود تنها از زاویه علم فقه به دین نمی نگرست. بلکه دین را مجموعه ای از معارف اخلاق و احکام می دانست. حتی در تعریفی که از علم فقه ارائه می کند، جایگاه علم به معارف را نیز مشخص می کند.

دوم آن که، شخصیتی وارسته و فارغ از دنیا بود. از آن رو تخصص در یک علم باعث نشده تا دین را از دریچه تخصص خود بشناسد و ابعاد و بخش های دیگر دین را نادیده بگیرد. ویژگی سوم امام نگاه ایشان به نقش دین و قوانین و مقررات دینی در حیات بشری است.

بنابراین تعریف علم فقه را می توان این گونه توصیف نمود:

۱. قانون زندگی دنیوی و اخروی انسان است.

۲. از نظر رتبه علم فقه در مرحله بعد از علم به معارف قرار دارد.



۳. علم فقه راه رسیدن به مقام قرب الهی است که غایت کمال انسانی است.

(ورعی، ۱۳۸۹)

افزون بر نکات فوق می توان گفت که:

۱. فقه تئوری اداره انسان در دنیا است.

۲. عنصری که فلسفه عملی این تئوری است، همانا حکومت است و بدون

حضور حکومت این تئوری توان برخورد با معضلات اجتماعی، سیاسی،

نظامی و فرهنگی را ندارد.

۳. بدیهی است که دانش فقه دانشی کاربردی است نه نظری محض، از این رو

نمی تواند جدای از عناصری باشد که آن را در مقام عمل به منصفه ظهور

می رساند و حکومت مهمترین این عناصر است. (ورعی، ۱۳۸۹)

معانی علم فقه از منظر دیگران: در این اصطلاح، فقیهان در طول تاریخ فقه و

سیر تطور آن، معانی متعددی را برای فقه بیان کرده اند که از میان آنها، این عبارت

از شهرت بیشتری برخوردار است: «الفقه هو العلم بالاحکام الشرعیه الفرعیه عن ادلتها

التفصیلیه»؛ (ذکری الشیعہ، بی تا) فقه، علم به احکام شرعی فرعی از روی ادله

تفصیلی است.

در کلام مقام معظم رهبری نیز فقه از حیث لغت به معنای درک و شناخت آمده

و در معنای اصطلاحی به معانی گوناگونی همچون فهم دین، معرفت دینی، شناخت

دین و یا دانش فهم اسلام آمده است. (حسین زاده، علی محمد، ۱۳۸۸) نکته مهم

این است که ایشان با توجه به نیاز جامعه و حکومت به فقه، در موازات تعریف

امام خمینی قدس سره - به اینکه حکومت، فلسفه علمی فقه است (صحیفه‌ی نور،

۱۳۶۱) - فقه مصطلح را چنین معرفی نموده است: فقه اسلام یعنی: مقررات اداره

زندگی مردم. (همان)

معنای اصطلاحی فقه در نظر ایشان نیز به دو حوزه عام و خاص تقسیم

می گردد: بدین معنا که در حوزه عام در راستای معنای لغوی، به معنای آگاهی از

دین و فهم دین در فروع و اصول معنا شده، امور اساسی دین اسلام و مجموع

اصول اعتقادات و اخلاقیات اسلامی، بلکه تمام معارف با همه شمول و سعه را در

بر می گیرد: «مراد از فقه تنها علم به احکام فرعی نیست، بلکه مراد از فقه، علم دین،

اعم از معارف الهی و عقاید حقه و علم اخلاق و فقه به معنای مصطلح می باشد.»

(خامنه ای، سیدعلی، ۱۳۶۰)

این در حالی است که ایشان همگام با معظم فقهای متاخر، فقه به معنای اصطلاحی خاص را به احکام رایج فقهی، آگاهی از فروغ دینی، استنباط وظایف فردی و اجتماعی انسان از مجموعه متون دینی و ادله تفصیلی معنا نموده است: «منظور ما از فقه به معنای خاص کلمه، آگاهی از علم دین و فروع دینی و استنباط وظایف فردی و اجتماعی انسان از مجموعه متون دینی است. (خامنه ای، ۱۳۶۰)

این دو معنا از فقه با یکدیگر منافات نداشته و به عنوان عام و خاص مطلق، مکمل یکدیگر تلقی می‌شوند، بلکه برای فهم احکام عملی فقه، باید فهمی جامع از اصل و اساس دین نیز داشته باشیم:

فقه و فقاہت را به دو معنا بیان می‌کنیم. هر دو معنا درست است و مکمل یکدیگر است: یک معنا از دو معنای فقه را همان فهم کلی دین می‌دانیم. در این کلیت دین، اصول، عقاید و مبانی دین و معارف دینی هست و جنبه‌های عملی دین، یعنی احکام، اعم از احکام فردی و احکام اجتماعی و آنچه برای اداره زندگی انسان لازم است، نیز هست. (خامنه ای، سیدعلی، ۱۳۶۰)

از مطالب بالا ملاحظه می‌شود که میان تعاریف امام خمینی (ره) با تعاریف مشهور فقهی تفاوت‌هایی وجود دارد. امام در تعریف نخست جایگاه دانش فقه را در مقایسه با دانش‌هایی مانند کلام، حکمت و عرفان نشان می‌دهد، ضمن آن که نقش فقه را در رسیدن به مقام قرب الهی هم یادآور می‌شود و در تعریف دوم تأثیر و نقش حکومت را در رابطه با فقه ترسیم می‌کند. و این همه در تعاریف مشهور فقهی دیده نمی‌شود.

فقه حکومتی

تتبع در کتب فقهی و تأمل در اندیشه فقیهان، این واقعیت را نشان می‌دهد که همواره دو نگاه نسبت به فقه وجود داشته است:

نگاه فردگرایانه

در این نگاه فقیه درصدد است تا وظایف افراد و آحاد مسلمانان را روشن کرده مشکلاتی را که در مسیر اجرای احکام پیش می‌آید مرتفع سازد. به تعبیر دیگر، مکلفان را در دین داری و شریعت مداری یاری می‌رساند. با این نگاه، طرح مسئله‌ها، مثال‌ها و تقسیم‌بندی‌ها، در راستای تحقق همان آرمان قرار می‌گیرد. این

نگاه، تقریباً نگاه غالب تمامی دوره‌ها، مدرسه‌ها، مکاتب و پارادایم‌های فقه بوده است. این نگاه از آن حیث بر فقه شیعی سیطره داشته که فقها هیچ‌گاه فرصت حکومت نداشته‌اند و نگاه آنها به مسائل حکومتی، نگاهی ناکارا بوده است. در واقع، در طول تاریخ نگاه به هویت اجتماعی مومنان، و استمرار حکومت اسلام فرصت بالندگی نیافته است.

نگاه اجتماعی و حکومتی

نگاه دوم مبتنی بر این است که افراد بجز هویت فردی‌شان، تشکیل دهنده یک هویت جمعی به نام «جامعه» نیز می‌باشند. به بیان دیگر، در این نگاه، فرد در درون امت، معنا پیدا کرده و در جمع و جامعه بالنده می‌شود. این هویت جمعی نیز موضوع احکامی است و فقیه باید دو نوع موضوع را بشناسد و احکام هر یک را روشن سازد، آن هم نه جدا از یکدیگر، بلکه این دو هویت جدایی‌ناپذیرند و تفکیک این دو، زمینه کشیده شدن به نگاه اول را فراهم می‌سازد. با این نگاه نیز مباحث، مسائل و مثال‌ها به گونه‌ای دیگر خواهد بود. با پذیرش وجود و یا قابلیت وجود دیدگاه دوم، زمینه برای طرح مسئله‌ای به نام «فقه حکومتی» در برابر «فقه فردی» معنا پیدا می‌کند.

فقه حکومتی شاخه‌ای از علوم و معارف دینی است که به بیان احکام و تکالیف مربوط به موضوعات حکومتی می‌پردازد. در واقع فقه حکومتی دانشی است که معارف مربوط به نظام‌های اجتماعی یا آموزه‌های مورد نیاز برای اداره جامعه را از منابع دینی استخراج می‌کند. در تعریف دیگری فقه حکومتی عنوانی است برای فقه آرمانی و جامعه ساز مکتب اهل بیت (علیهم السلام). کاربرد این واژه در مقابل فقه فردی و مراد از آن، نگرشی است کل‌نگر و حاکم بر تمام ابواب فقه که براساس آن استنباط‌های فقهی باید مبتنی بر اداره نظام اجتماعی بوده و تمامی ابواب فقه ناظر به اداره کشور و امور اجتماع باشد. از این رو، گستره‌هایی که در فقه حکومتی مورد بحث قرار می‌گیرد، منحصر به مباحث سیاسی نخواهد بود و همه ابواب و مسائل فقه را شامل می‌شود؛ چه این که حکومت و نظام اسلامی، شوون و زوایای مختلفی دارد و فقیه باید برای رفع نیازهای حکومت، جامعه انسانی و نظام اسلامی همه آن مسائل را مورد بررسی قرار دهد؛ مباحثی در حوزه اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، سیاسی، نظامی، انتظامی، خانواده، احوال شخصیه و



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال سوم
شماره هشتم
تابستان ۱۳۹۵

تمام مسائل مربوط به زندگی بشری در مقوله مادی و معنوی را مورد بررسی قرار دهد. (مجموعه مقالات، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)

از آثار حضرت امام خمینی (ره) تا آنجا که تتبع کردیم مطلب روشنی در تعریف فقه حکومتی به دست می دهد اما تعریف کلاسه ای ارائه نشده است یعنی دیده نشد که ایشان در جایی به تعریف جامع و کامل فقه حکومتی پرداخته و آن را با فقه متداول مقایسه کرده باشند اما در عین حال افق های روشنی در فرمایشات ایشان نسبت به مأموریت و وظایف حکومت و دامنه فقه و... وجود دارد. امام خمینی معتقد بودند که حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. (پرتال پژوهشی و اطلاع رسانی امام خمینی (ره) به نقل از پایگاه اطلاع رسانی فرهنگستان علوم اسلامی)

با همه این وجود در نگاه حضرت امام، همه آنچه در حوزه حکومت از اختیارات و وظایف پیامبر و امامان پس از او محسوب می شود، برای فقیه جامع الشرایط نیز معتبر است و در واقع فقیه عادل، واجد تمام اختیارات حکومتی و سیاسی پیامبر اکرم (ص) و ائمه (علیهم السلام) است و تصور فرق و تفاوت بین اختیارات آنان و فقیه عادل امر معقولی نمی باشد. (الیع ۴۹۷) و همچنین اظهار می دارد: امام و والی مسلمین می تواند به هر عملی که به صلاح مسلمین است اقدام نماید، از جمله تثبیت قیمت کالا یا حصر تجارت و صنعت خاص، اگر در این امور حفظ نظام و مصلحت مسلمین دخیل باشد. (تحریر الوسيله)

امام خمینی (ره) سبب و ملاک صدور حکم حکومتی را در چهار محور بدین ترتیب بیان نموده اند:

۱. مصلحت نظام: یعنی مصالح نظام اقتضا کند که حاکم برای تأمین آن مصالح احکامی را وضع نماید، مانند مقررات اداری، نظامی، اقتصادی و وضع مالیاتها و غیره...

۲. جلوگیری از اختلال در نظام: مراد آن است که اگر انجام کاری یا ترک امری موجب اختلال در نظام شود حاکم اسلامی برای رفع آن اختلال می تواند مانع انجام آن کار یا موجب تحقق آن امر شود، مانند وضع قانون مجازات قاچاقچیان برای جلوگیری از عمل خلاف قاچاق و یا تعزیر کسانی که به انحاء مختلف در امور اقتصادی اختلال ایجاد می نمایند.

فقه حکومتی
در اندیشه ی
امام خمینی (ره)
(۲۳ تا ۴۱)

۳. نفی مفسده: منظور این است که حاکم می‌تواند برای جلوگیری و یا رفع مفسده که در شرف تکوین است و با محقق گردیده حکم صادر نماید تا از مفساد حاصله جلوگیری کند، مانند تحریم «متعّه» از جانب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و یا تعزیرات حکومتی و تحریم روابط اقتصادی و سیاسی مفسده‌انگیز با برخی از دولت‌ها و غیره.

۴. نفی حرج: بعضی از احکام و یا مسائل موجب حرج می‌شود، حکم می‌تواند براساس اختیارات حکومتی این حرج را از بین ببرد، مانند زنی که شوهرش صالح نیست و زن در عسر و حرج است و قصد طلاق گرفتن دارد، اما شوهرش او را طلاق نمی‌دهد. در اینجا حاکم می‌تواند براساس اختیارات حکومتی، زن را طلاق دهد که به این طلاق، طلاق حکومتی می‌گویند.

امام خمینی (ره) این چهار محور را در بیانی خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی چنین تشریح کرده‌اند: «آنچه در حفظ نظام جمهوری اسلامی دخالت دارد که فعل و ترک آن موجب اخلال در نظام شود و آنچه ضرورت دارد که فعل و ترک آن مستلزم فساد است و آنچه عمل یا ترک آن مستلزم حرج است پس از تشخیص موضوع به وسیله اکثریت وکلای مجلس شورای اسلامی با تصریح به موقت بودن، مادام که موضوع محقق است و پس از رفع موضوع، خود به خود لغو می‌شود مجازند در تصویب و اجرای آن.» (صحیفه نور ۱۵-۱۸۸)

اصول و مبانی فقه حکومتی در اندیشه امام خمینی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امام خمینی نگاه اجتماعی و حکومتی به فقه است که آن را از سطح زندگی فردی و عبادی به حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌کشاند. این نگاه و نگرش به فقه و کارایی و کارآمدی آن، این دانش را دچار تحول می‌کند، تحولی در سطح و تحولی در عمق.

بدون شک چنین نگاه و نگرشی به مجموعه فقه بر مبانی و اصولی متکی است. آشنایی با مبانی و اصولی که نگاه حکومتی به فقه بر آن‌ها تکیه دارد، اختلاف در ریشه‌ها را نمایان ساخته و بحث و تبادل نظر را به مبحثی مهم‌تر منتقل می‌کند و چه بسا با جرح و تعدیل در آن مباحث ریشه‌ای، نگاه حکومتی به این دانش را وسعتی دوچندان بخشد.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال سوم
شماره هشتم
تابستان ۱۳۹۵

جامعیت دین

امام خمینی بر این باور بود که اسلام دینی جامع است و گستره ای به میزان نیازهای متنوع انسان دارد. هم روابط انسان را با خداوند ترسیم می کند، هم روابط او را با انسان های دیگر و هم با طبیعت. تفاوت اسلام با ادیان دیگر آن است که تنها به امور عبادی و سرنوشت اخروی انسان بسنده نمی کند، بلکه نسبت به زندگی دنیای انسان نیز به شدت حساس است؛ زیرا چگونگی سرنوشت اخروی انسان به چگونگی زندگی او در دنیا بستگی دارد. هر چند معتقد بودند که ادیان آسمانی دیگر نیز قبل از تعریف حتماً نسبت به حیات دنیوی انسان بی تفاوت نبوده اند. محال است دینی که از جانب خداوند و خالق انسان برای هدایت او ارسال می شود، نسبت به بخش مهمی از زندگی بشر بی تفاوت باشد.

چنان که میان اسلام و مکاتب بشری نیز این تفاوت بنیادین را قائل بودند که همه مکاتب بشری در اوج کمال خود تنها برای تامین نظام و امنیت و زندگی اجتماعی بشر قانون و برنامه ارائه می کنند و از ارائه قانون و برنامه ای که سعادت همه جانبه انسان را تامین کند، عاجزند.

پیوند دین و سیاست

دومین ویژگی نگاه امام به دین، «پیوستگی دین با سیاست» است. از نظر ایشان بزرگترین انحرافی که در تاریخ اسلام به دست خلفای اموی و عباسی رخ داد، «تفکیک دین از سیاست» بود که در گذر زمان و ترفند بازیگران سیاسی دنیا بیشتر و عمیق تر شد. منحصر کردن دین به امور تعبدی و سپردن سیاست و حکومت به سلاطین و امپراطورها نقشه ای بود برای خارج ساختن دین از حیات بشر. از نگاه امام این نگرش تخطئه و تکذیب خدا، رسول خدا و امیر مؤمنان علی (علیه السلام) است. اقامه نماز و روزه و حج و احکام دیگر دین و برقراری عدالت بدون وجود حکومت امکان پذیر نیست. حکومت و ولایت از فروع دین نیست تا در عرض فرایض دینی قرار گیرد. (صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۱۴-۱۱۵)

ولایت انحصاری خداوند

خداوند سبحان به خاطر آن که خالق نظام هستی و آفریننده ی انسان است، حق

تصمیم گیری نسبت به سرنوشت انسان با اوست. (المیزان، ج ۱۰، ص ۵، ج ۱۱، ص ۳۲۶)

او است که ولایتش نسبت به مخلوقات ذاتی بوده و نیاز به تفویض دیگری ندارد. اما در روابط انسان ها با یکدیگر هیچ انسانی بر انسانی دیگر ولایت ندارد چون نسبت انسان ها با یکدیگر مساوی و در عرض هم است. حتی پیامبر و اولیای خدا نیز از آن جهت که انسانند، ولایتی بر آنان ندارند، بلکه از آن جهت که خلیفه خداوند در زمین بوده و از جانب خداوند حق ولایت پیدا کرده اند، می توانند اعمال ولایت و حاکمیت کنند.

ضرورت حکومت و ولایت در همه اعصار

باور دیگر امام که نتیجه پیوند دین و سیاست به شمار می رود، ضرورت وجود حکومت اسلامی در همه زمانها است. از نظر ایشان حکومت محدود به زمان حضور امام معصوم نیست، بلکه مسلمانان همیشه تاریخ نیازمند حکومتند و اصولاً بدون حکومت امکان تحقق همه جانبه ی اسلام وجود ندارد.

مجموعه فقه از نگاه امام در پرتو برقراری حکومت امکان و مجال اجرا پیدا می کند و بدون وجود حکومت، قوانین اسلام عملی نخواهد شد و طبعاً عدالت که از مهمترین اهداف اجتماعی اسلام به شمار می رود، محقق نخواهد شد. از همین رو برای رسول خدا و جانشینان معصوم او در عصر حضور و فقیهان عادل در عصر غیبت، ولایت قائل بود.

استدلال ایشان برای اثبات حکومت در عصر غیبت چنین بود:

- اولاً: احکام خداوند اعم از مالی و سیاسی و حقوقی، نسخ نشده و تا روز قیامت باقی است. بقای این احکام به تنهایی ضرورت حکومت و ولایت را اثبات می کند. چرا که بدون حکومت این قوانین قابل اجرا نیست.
- ثانیاً: حفظ نظم و نظام اجتماعی از واجبات اکید است و اختلال در امور جامعه مغضوب و مبغوض خداوند است و چنین امری در پرتو حکومت تامین می شود.
- ثالثاً: دفاع از مرزهای اسلامی و حراست از جان و مال و ناموس و مسلمانان در برابر دشمن از واجبات عقلی و شرعی است و این مهم جز با وجود حکومتی مقتدر امکان پذیر نیست.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال سوم
شماره هشتم
تابستان ۱۳۹۵

منابع استنباط فقه حکومتی

فقه حکومتی در اندیشه فقهی امام خمینی بر منابعی غیر از منابع شناخته شده از استنباط، یعنی کتاب، سنت و عقل استوار نیست، اما با توجه به عناصری در اجتهاد و استنباط احکام به ویژه احکام اجتماعی و سیاسی از لوازم و رویکرد فقه حکومتی است. توجه به اینکه حکومت از احکام اولیه اسلام است و بر همه احکام فرعی تقدم دارد، تاثیر فراوانی در استنباط بجا می‌گذارد. توجه به اینکه رسول گرامی اسلام دارای شان قضایی و شان ولایی و حکومتی هم بوده، نگاه فقها را به ولایت که مهم‌ترین و گسترده‌ترین منبع استنباط احکام است، دگرگون می‌کند.

لوازم و رویکردهای فقه حکومتی

نگاه و نگرش حکومتی به دانش فقه لوازم و رویکردهایی دارد که تاثیر مستقیمی در استنباط احکام شرعی به جا می‌گذارد. با توضیح اجمالی درباره برخی از این عناصر تاثیرگذار، لوازم و رویکرد این نگاه روشن می‌شود.

فلسفه وجودی حکومت

از نگاه امام «عدالت» در اسلام مطلوب بالذات و «احکام» مطلوب بالعرفند که برای استقرار حکومت و تحقق عدالت تشریح شده‌اند. (کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۳۳)

چنان که معتقد بودند: حکومت فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخل و خارجی را تعیین می‌کند و این بحث‌های طلبگی مدارس که در چارچوب تئوریهاست، نه تنها قابل حل نیست که ما را به بن بست‌هایی می‌کشاند که منجر به نقص ظاهری قانون اساسی می‌گردد. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۱۷-۲۱۸)

فقه حکومتی
در اندیشه‌ی
امام خمینی (ره)
(۲۳ تا ۴۱)

تقدم مصالح جمعی بر مصالح فردی

از آنجا که در فرهنگ اسلامی مصالح جمعی نسبت به مصالح فردی از اهمیت بیشتری برخوردار است در تراحم بین آن‌ها مصالح جمعی تقدم پیدا می‌کند. بدیهی است چنین رویکردی در فهم آموزه‌های دین و استنباط احکام شرع تاثیر فراوانی به جا می‌گذارد. از همین رو، امام خمینی و «برنامه ریزی به نفع مسلمانان»

را محور کار می دانست و «شناخت حکومت و جامعه» را از شرایط مهم اجتهاد در عصر حاضر شمرد که آثار مهمی در پی دارد:

الف) حکومت از احکام اولیه

از نگاه امام «حکومت که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص) است، یکی از احکام اولیه اسلام است. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۷-۱۷۸) در عرف اجتماع که وجود حکومت امری ضروری و فطری است نمی توان حکومت را امری اضطراری و از روی ناچار تجزیه و تحلیل کرد. به عبارت دیگر «اصل عدم ولایت احدی بر دیگری» در روابط مردم با یکدیگر می تواند به عنوان یک قاعده پذیرفته شود، اما در روابط بین دولت و شهروندان نمی توان به این اصل تکیه کرد، چرا که در صورت مبنا و قاعده بودن این اصل در روابط میان دولت و مردم، ولایت دولت بر خالق قاعده تلقی شده و جنبه استثنایی خواهد داشت. و این مسئله با اولی بودن حکومت، ناسازگار است. اگر کسی بحث ولایت و حکومت را از این اصل آغاز کند به ناچار به «ثانوی بودن حکومت» خواهد رسید.

ب) اهمیت و تقدم حکومت بر احکام فرعی

نکته مهم دیگری که در آثار امام خمینی به چشم می خورد، «اهم بودن حکومت بر احکام فرعی شرعی» و قهراً تقدم آن است. حکومت اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام شرعی الهیه، حتی نماز و روزه و حج تقدم دارد.

در روابط اجتماعی معمولاً میان حقوق مردم تزامم پیش می آید و چون حقوق و تکالیف انسان ها براساس مصالح و مفاسد تعریف شده، در تزامم بین مصالح، مصلحت اهم از دیدگاه عقل تقدم دارد. احکام و حقوقی که شرع تعیین کرده، از نظر اهمیت یکسان نبوده و در صورت تزامم حکم مهم تر تقدم دارد.

اختیارات دولت اسلامی بر مدار مصلحت

امام خمینی دخالت دولت را محدود به موارد ضروری و اضطراری نمی دانستند و معتقد بودند هر آنچه مصلحت عمومی جامعه آن را اقتضا کند، دولت می تواند تصمیم گیری کند. امام خواستار آن بود که مصوبات مجلس افزون بر سنجش با معیار احکام ثانویه و قواعد لاضرر و لاهرج و امثال آن ها، با ولایت فقیه و



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال سوم
شماره هشتم
تابستان ۱۳۹۵

مصلحت نیز سنجیده شده چرا که حکومت می تواند بنابر مصالح جامعه قانون وضع کند و نیازی نیست که حتماً قوانین وضع شده در دولت اسلامی که احیاناً خارج از چارچوب احکام فرعی است، در محدوده ی اضطراب و حرج و ضرر قرار گیرد و به حکم ثانوی تجویز شود، بلکه اگر به این حد و مرتبه هم نرسیده حکومت می تواند به وضع قانون مبادرت کند.

با پیشرفت فنی و صنعتی و علمی که بر روی همه شئون زندگی وی اثر گذارده تعداد موضوعاتی که فقه باید حکم شرعی آنها را بیان کند به همین نسبت افزایش می یابد. بی شک، سرچشمه های فقه و نیز شیوه فقاقت، برای فهم حکم این موضوعات، کافی است؛ ولی شناخت موضوعی آنها و تحقیق و تدقیق لازم برای تطبیق موضوع بر عناوین کلی و فقه... و خلاصه بهترین روش برای درک حکم شرعی آن کاری مهم و راهی دراز است. همچنین ای بسا موضوعاتی در فقه مطرح گشته ولی امروز موضوع چنان تحول و تطوری یافته که به آسانی نمی توان حکم آن را دانست؛ فقهای عصر باید با روشن بینی و احاطه علمی و پایبندی به روش فقاقت از یک سو، و آزاداندیشی و شجاعت علمی از سوی دیگر، مفاهیم جدید را در فقه کشف کرده و احکام تازه ای را با استناد به کتاب و سنت عرضه کنند و این تکمیل فقه است. (همان)

از باب همین ضرورت است که باید از پیگیری و تأسیس پارادایمی جدید در فقه سخن گفت؛ چنان که مقام معظم رهبری از تشکیل دوره ای جدید در فقه و مختصات آن سخن به میان آورده و عنوان فقه حکومتی را برای آن برگزیده است. روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی - یعنی ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی - امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است. (همان)

اگر کسی درباره احکام فقهی در دوره حاکمیت اسلام کار می کند، آن احکام را دو گونه می تواند مورد مطالعه و ملاحظه قرار دهد: یک طور، احکام فقهی مربوط به اداره یک فرد، منهای اینکه این فرد در کجای عالم زندگی می کند. یک وقت هم، انسان همین حکم فقهی را به عنوان بخشی کوچک یا بزرگ از چگونگی اداره یک جامعه بررسی می کند. یک وقت به عنوان جزئی از مجموعه اداره کننده فرد و جامعه در حاکمیت اسلام مطرح می شود؛ یک وقت هم نه؛ مجرد از اسلام و فقط

فقه حکومتی
در اندیشه ی
امام خمینی (ره)
(۲۳ تا ۴۱)

به عنوان حکم که برای یک فرد مطرح است، اینها با هم متفاوت است؛ حتی در استنباط حکم فقهی هم تفاوت‌هایی به وجود می‌آید؛ حتی در مسئله طهارت و نجاست، حتی در مسائل شخصی. (علی پور، ۴۸۱)

گرچه فقه شیعه نمونه‌های نادری از تجربه حاکمیت را در کارنامه خود دارد؛ (مبلغی، ۴۸۱) اما این حاکمیت اولاً، در همان قالب سنتی و فردی بوده و از این رو، توان حضور در تمام عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و دیگر جوانب حیات بشری را نداشته است. ثانیاً، مشکلات، معضلات، مسائل و موضوعاتی از جنس امروزی آنها، فراروی فقه قرار نگرفته بود.

امروزه با توجه به تغییر شرایط اجتماعی و تشکیل حکومت دینی با حاکمیت ولی فقیه و با محوریت فقه شیعه، دو مسئله مهم، ضرورت تأسیس پارادایم فقه حکومتی را مسجّل می‌کند: یکم، طرح فقه به عنوان نظریه واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور و نگرش خاصی که به حکومت به عنوان فلسفه عملی تمام فقه وجود دارد. دوم، مواجه شدن فقه با انبوهی از مسائل و موضوعات جدید که به واسطه حاکمیت فقیه با محوریت فقه و برقراری حکومت اسلامی پدید آمده بود و فقه فردی و نظام فقاقت موجود و روش‌های متداول با محوریت نگاه فردی به مسائل و موضوعات، توان پاسخ‌گویی بدان‌ها را ندارد.

پیشرفت‌های جدید در علوم طبیعی، و مجهز شدن بشر به ابزار و آلات جدید برای زندگی راحت‌تر و تغییر روش‌های زندگی، برقراری ارتباطات سریع و آسان و گسترش وسایل ارتباط جمعی، بلند شدن موج لیبرال دموکراسی غربی و طرح نظریه‌هایی در زمینه توانمندی مدیریت علمی برای به سعادت رساندن بشر و بی‌نیازی از دین و فقه، و طرح صدها و هزاران شبهه در راه حاکمیت دین و فقه از راه القای ناکارآمدی دین در سامان بخشیدن به امور دنیا و تقابل مصلحت دین با مصلحت دنیا - که در جهت تز جدایی دین از سیاست مطرح است - همه و همه مشکلات عملی ساختن فقه را چند برابر ساخته، ضرورت پرداختن به فقه حکومتی را مسجّل می‌کند. (مبلغی، ۴۸۱)

استنباط فقه در راستای حکومت کردن فقه کنونی ما برای روزگاری که بخواهد نظام جامعه را اداره بکند، پیش‌بینی نشده است... این عیب را شما باید برطرف کنید. شما باید یک بار دیگر از طهارت تا دیات را نگاه کنید و فقهی استنباط کنید برای حکومت کردن. ما می‌خواهیم الان حکومت کنیم بر مبنای فقه اسلام. اسلام



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال سوم
شماره هشتم
تابستان ۱۳۹۵

اقتصاد دارد، روابط اجتماعی دارد، سیاست مالی دارد، روابط خارجی دارد، جنگ دارد، صلح و مذاکره دارد، نظام کارگری و کارخانه دارد، اطاعت از اولی الامر دارد، ارتش دارد، سلسله مراکز دارد. مگر می شود بگویید. (حسنی، ۱۳۸۵)

تشکیل نظام اسلامی که داعیه دار تحقق مقررات اسلامی در همه صحنه های زندگی است، وظیفه ای استثنایی و بی سابقه بر دوش حوزه علمیه نهاده است و آن تحقیق و تنقیح همه مباحث فقهی ای است که تدوین مقررات اسلامی برای اداره هریک از بدنه های نظام اسلامی بدان نیازمند است. فقه اسلام آن گاه که اداره زندگی فرد و جامعه - با آن گستردگی و پیچیدگی و تنوع را - مطمح نظر می سازد، مباحثی تازه و کیفیتی ویژه می یابد و این همان طور که نظام اسلامی را از نظر مقررات و جهت گیری های مورد نیازش غنی می سازد، حوزه فقاقت را نیز جامعیت و غنا می بخشد. روی آوردن به فقه حکومت و استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی - یعنی ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی - امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است. (مدرسی طباطبایی، ۴۱۴۴)

رفع توهم بیگانگی فقاقت و سیاست

فقه شیعه به علل مختلفی در دوران غیبت با سیاست و حکومت میانه و رابطه ای نداشته است و طبیعتاً در حیطه استنباط خود نیز از مؤلفه های سیاست بهره نمی جست. به دنبال آن نیز تفکر جدایی دین و فقاقت از سیاست و حکومت توسط ایادی استعمار دامن زده می شد. لیکن با ورود به عرصه حاکمیت و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این خلأ در فقه شیعه پر شد و در این حوزه نیز فقه شیعه، در مسیری رو به تکامل و تحول، به سوی فقه حکومتی در حرکت است، گرچه رگه هایی از تفکر سکولار در جریان است. از این رو، اولین گام ریشه کن سازی این جرثومه است. فکر وحدت دین و سیاست را هم در تفقه و هم در عمل دنبال کنید. آقایان بدانند فکر جدایی دین از سیاست به عنوان یک آفت، به کلی ریشه کن نشده و هنوز در حوزه های ما متأسفانه هست و کسانی هستند که خیال می کنند حوزه باید به کار خودش مشغول باشد و اهل سیاست و اداره کشور هم مشغول کار خودشان باشند. حداکثر اینکه با هم مخالفتی نداشته باشد. اما اینکه دین در خدمت اداره

فقه حکومتی
در اندیشه ای
امام خمینی (ره)
(۲۳ تا ۴۱)

زندگی مردم باشد و سیاست متغذی از دین باشد و از دین تغذیه بکند، هنوز در بعضی از اذهان درست جا نیفتاده است. ما این فکر را باید در حوزه ریشه دار کنیم. (مدرسی طباطبایی، ۱۴۴۴)

در عین حال حرکت به سوی فقه حکومتی نیز در جریان بوده و به مرور تفکر جدایی فقهت و حکومت را به کنار می زند. در واقع، بینش سیاسی و وجهه سیاسی فقه شاکله اصلی فقهت را تشکیل می دهد: « فقهت امروز با بینش سیاسی منافاتی ندارد، بلکه بینش سیاسی مکمل و کیفیت بخش آن است. » (اسلامی، ۱۳۸۹) دیگر اینکه همراهی فقهت با سیاست در عرصه اجتهاد، جز با تدوین دوباره فقه بر مبنای ایده همسازی فقهت با سیاست، راه به جایی نبرده و گره ای از کار نخواهد گشود.

ما بایستی این فکر (جدایی دین از سیاست) را در حوزه ریشه کن کنیم. به این شکل که هم فقهت را این طور قرار بدهیم و هم در عمل این گونه باشیم؛ یعنی چه؟ [یعنی] استنباط فقهی، بر اساس فقه اداره نظام باشد، نه فقه اداره فرد. فقه ما از طهارت تا دیات باید ناظر به اداره یک کشور، اداره یک جامعه و اداره یک نظام باشد. (اسلامی، ۱۴۴۴)

در همین زمینه و در تکمیل مباحث فقه حکومتی، باید به تألیف کتاب های مستقل در ابواب گوناگون فقه اجتماعی و سیاسی اقدام کرد و در حوزه سیاست داخلی و خارجی به پرسش ها و معضلات پاسخ گفت و احکام متناسب را استنباط نمود: « در ارتباط با کشورهای دیگر در سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی، احتیاج داریم به کتاب سیاست که در فقه ما وجود ندارد. این کتاب باید در فقه به وجود بیاید. » (اسلامی، ۱۴۱۸)

حرکت به سوی فقه حکومتی، در سال های اخیر، حرکتی هرچند خزنده و آرام داشته، اما همین حرکت آهسته، نوید تدوین نوین فقه شیعه بر اساس ایده اداره حکومت و اجتماع را می دهد.

در فقه ما به مسائل سیاسی، به بعضی از فصول مباحث سیاسی کمتر پرداخته شده، مگر در این اواخر که در این مرحله قبل از تشکیل جمهوری اسلامی و بعد از تشکیل جمهوری اسلامی تا حالا، مباحث سیاسی هم با همان توسع و عمق مباحث عبادات و معاملات مورد بررسی ما قرار گرفته است. (استرآبادی، بی تا)



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال سوم
شماره هشتم
تابستان ۱۳۹۵

نتیجه

مقصود از فقه حکومتی، عبارت است از: « استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت و نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی. به عبارت دیگر، ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه حیات طیبه اسلامی.» امام خمینی (ره) اولین فردی بود که توانست به پیروی از ائمه معصومین (علیهم السلام) نظامی متکی بر فقه حکومتی بنیان گذاری کند؛ ایشان ضمن تبیین فقه حکومتی ضرورت آن و اثبات امکان به وجود آمدن آن، به ضرورت ایجاد آن فقه حکومتی را به خوبی ترسیم نموده اند، میان تعاریف امام خمینی (ره) با تعاریف مشهور فقهی تفاوت هایی وجود دارد، از نظر امام خمینی (ره) فقیه عادل واجد تمام اختیارات حکومتی و سیاسی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است. حضرت امام سبب و ملاک صدور حکم حکومتی را در چهار محور: مصلحت نظام، جلوگیری از اختلال در نظام، نفی مفسده و نفی حرج میدانند. نگاه و نگرش حکومتی به فقه لوازم و رویکردهایی دارد که تأثیر مستقیمی در استنباط احکام شرعی به جا می گذارد. فلسفه وجودی حکومت، تقدیم مصالح جمعی بر مصالح فردی، اختیارات دولت اسلامی بر مدار مصلحت از جمله این مصالح و رویکردها هستند. حرکت به سوی فقه حکومتی در سال های اخیر حرکتی خزننده و آرام داشته اما همین حرکت کند نوید تدوین فقه شیعه براساس ایده اداره حکومت است.

کتابنامه

- ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: داراحیاء التراث العربی. ۱۴۱۴ق.
- استرآبادی، محمدمین. الفوائدالمدنیة. قم: دارالنشر اهل البيت علیهم السلام. بی تا.
- اسلامی، رضا. مدخل علم فقه. چ دوم. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه. ۱۳۸۴ش.
- تهانوی، محمد. کشف اصطلاحات الفنون. بیروت: دارالکتب العلمیه. ۱۴۱۴ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعه. چ سوم. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام. ۱۴۱۴ق.
- حسنی، سید حمیدرضا. جایگاه شناسی علم اصول. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه. ۱۳۸۵ش.
- حسین زاده، علی محمد. فقه و کلام. چ یازدهم. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۳۸۵ش.
- خامنه‌ای، سیدعلی. مصاحبه‌ها (مجموعه مصاحبه‌های حجت الاسلام خامنه‌ای). چ اول. تهران: سروش. ۱۳۶۶ش.
- خمینی، سید روح الله. صحیفه نور. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. ۱۳۶۹ش.
- ----- . تحریرالوسیله. نجف اشرف: مطبعه الآداب. بی تا.
- راغب اصفهانی، حسین. المفردات. قم: اسماعیلیان. بی تا.
- علی پور، مهدی. پارادایم اجتهادی دانش دینی. چ اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ۱۳۸۹ش.
- طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی. چ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۳۷۴ش.
- مبلغی، احمد. «پارادایم‌های فقهی» کاوشی نو در فقه اسلامی، ش ۸۱ - ۸۳، زمستان ۱۳۸۴ش.
- مدرسی طباطبائی، حسین. مقدمه‌ای بر فقه شیعه. ترجمه محمد آصف فکرت. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ش.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سیپهر سیاست
سال سوم
شماره هشتم
تابستان ۱۳۹۵

- ورعی، سید جواد. اندیشه های فقهی امام خمینی. تهران: عروج. ۱۳۸۹ ش.
- فیروزی، احمدرضا. کتاب مجموعه مقالات کنگره ملی بررسی اندیشه های فرهنگی و اجتماعی حضرت امام خمینی (ره). تهران: پژوهشکده مطالعات میان فرهنگی - دانشگاه آزاد اسلامی جهاد دانشگاهی (تربیت معلم). ۱۳۹۱ ش.
- پرتال پژوهشی و اطلاع رسانی امام خمینی (ره) به نقل از پایگاه اطلاع رسانی فرهنگستان علوم اسلامی. آدرس: <http://www.isaq.ir>.